

ده گفتار در زبان‌شناسی شناختی-اجتماعی. درک گیرارتز، بستون: نشر بریل، ۲۰۱۸.  
صفحه ۳۴۳

کتاب "ده گفتار در زبان‌شناسی شناختی-اجتماعی"<sup>۱</sup> حاصل سخنرانی‌های پروفسور گیرارتز آدرسال ۲۰۰۹ در همایش بین‌المللی زبان‌شناسی شناختی است که در کشور چین برگزار شده است. این کتاب در ده فصل تنظیم شده و در سال ۲۰۱۸ انتشار یافته است. نویسنده، استاد رشته زبان‌شناسی در دانشگاه لوون<sup>۲</sup> است. عمده‌ترین علایق او به واژه‌شناسی، معنی‌شناسی، توجه به تنوعات زبانی در این حوزه، بهره‌گیری از تحلیل‌های پیکره‌بنیاد و فرهنگ‌نگاری است. از او تاکنون کتاب‌ها مقالات فراوانی به چاپ رسیده‌اند که از مهمترین آن‌ها می‌توان به ویرایش کتاب *دستنامه آکسفورد در زبان‌شناسی شناختی*<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) و پژوهش در *زبان‌شناسی شناختی*<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) اشاره کرد. همچنین از دیگر آثار این نویسنده می‌توان به *پژوهش‌های پیشرو در جامعه‌شناسی زبان از دیدگاه شناختی*<sup>۵</sup> (۲۰۱۰) نیز اشاره داشت.

کتاب مورد نظر در ده فصل تنظیم شده است. دو فصل ابتدایی با عناوین "چرخشی اجتماعی در زبان‌شناسی شناختی" و "انواع تنوعات معنی‌شناسی و مقوله‌ای" را ذیل عنوان مقدمه کتاب می‌توان لحاظ کرد. فصل‌های سوم و چهارم کتاب را که به ترتیب با عناوین "معنی‌شناسی در زمانی پیش‌نمونه" و "قالب‌ها، پیش‌نمونه‌ها و هنجارها" مطرح شده‌اند، با عنوان کلی‌تر بررسی تنوعات معنا نگرانه<sup>۶</sup> می‌توان برشمرد. فصل‌های پنجم و ششم به تنوعات نام نگرانه<sup>۷</sup> مفهومی می‌پردازد که "به تاریخ فرهنگی استعاره" (فصل پنجم) و "الگوهای فرهنگی تنوعات زبانی" (فصل ششم) اختصاص دارند. فصول هفت، هشت، و نه کتاب به مبحث اندازه‌گیری تنوعات صوری نام‌نگرانه اختصاص می‌یابد که به ترتیب در فصل‌هایی با عناوین زیر تنظیم شده‌اند: تنوع زبانی به مثابه متغیری در جامعه‌شناسی زبان<sup>۸</sup>، "اندازه‌گیری تنوع و تغییر واژگانی"، "الگوهای چند متغیری از تنوعات زبانی". نویسنده در فصل آخر کتاب با عنوان

1. Dirk Geeraerts. 2018. *Ten lectures on cognitive sociolinguistics*. Leiden: Brill publisher
2. Dirk Geeraerts
3. Leuven
4. Oxford Handbook of Cognitive Linguistics
5. Cognitive Linguistic Research
6. *Advances in Cognitive Sociolinguistics*
7. semasiological
8. onomasiological

"نظام زبان در الگوی کاربرد بنیاداً از زبان" به بحث و نتیجه‌گیری کلیات مطرح شده در کتاب می‌پردازد. در بخش‌های زیر مباحث هر فصل مرور خواهد شد.

گیرارترز در فصل اول کتاب با عنوان چرخشی اجتماعی در زبان‌شناسی شناختی<sup>۲</sup> توجه خواننده را به اهمیت مطالعه تنوعات زبانی در قالب زبان‌شناسی شناختی جلب می‌کند. او در ابتدا تاریخچه مختصری را از آنچه بر زبان‌شناسی شناختی در طول عمر سی ساله اش گذشته است، بیان می‌کند. نویسندگان تاریخ‌های مهم در حیات زبان‌شناسی شناختی را به سه دسته طبقه‌بندی می‌کند: (الف) میانه دهه ۱۹۷۰ که در آن افرادی نظیر تالمی، لیکاف و لنگر به ترتیب با معرفی زمینه، دستور شناختی و زبان‌شناسی گشتالتی آغازگر مطالعات شناختی شدند، (ب) نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ که با انتشار آثاری چون "شالوده‌های دستور شناختی لنگر<sup>۳</sup>" و "زنان، آتش، و چیزهای خطرناک"<sup>۴</sup> لیکاف و پایه‌گذاری مجله زبان‌شناسی شناختی، مبانی شناختی به طور بین‌المللی مطرح می‌شوند، (پ) ده سال پیش که شاهد گسترش و توسعه چنین چارچوبی بوده‌ایم. این دوره، دوره جهانی‌شدن چارچوب شناختی است و گسترش همایش‌ها و مجلات و مقالات شناختی در همین دوره بسیار مؤثر بوده است. سپس گیرارترز به سه مرحله در گسترش زبان‌شناسی شناختی در قرن بیستم اشاره می‌کند: (الف) دوره بافت‌زدایی<sup>۵</sup> از مطالعات زبانی، (ب) دوره مقدماتی واکنش به دوره نخست، (پ) دوره بافت‌سازی مجدد<sup>۶</sup> در مطالعات زبانی. دوره نخست به مطالعات سوسور و چامسکی اطلاق می‌شود که به جدایی کد فردی (پارول، کنش) از کد اجتماعی (لانگ و توانش) می‌انجامد. دوره دوم یعنی دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ شاهد بروز عکس‌العمل در برابر این دیدگاه محدود از طریق گسترش مطالعات کاربردشناختی در جامعه‌شناسی زبان بوده‌ایم. در دوره سوم دیدگاه شناختی، افراطی‌ترین دیدگاه بافت‌سازی مجدد اطلاعات زبانی است. منظور از بافت‌سازی مجدد تمایل به بازیابی بافت واقعی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی کاربردهای زبانی است. به این روش شاهد توسعه تدریجی ایده "بافت"<sup>۷</sup> خواهیم بود که ما را به هدف نهایی رویکرد شناختی نزدیک‌تر خواهد کرد؛ یعنی ارائه الگویی چند عاملی از دستور زبان. بنابراین، نویسندگان با مطرح کردن تاریخچه‌ای از مطالعات شناختی در این فصل، منطق در پس گنجاندن اطلاعات بافتی در مطالعات اجتماعی زبان را می‌کاود.

- 
1. usage based
  2. social turn in cognitive linguistics
  3. Foundation of Cognitive Grammar
  4. Women, Fire, and Dangerous Things
  5. decontextualization
  6. recontextualization
  7. context

نویسنده در فصل دوم کتاب با عنوان "انواع تنوعات معنایی و مقوله ای"<sup>۱</sup> اصطلاح‌شناسی خاصی را به مبحث خود می‌افزاید. در این فصل، ابتدا جایگاه نظام انتزاعی زبان در تقابل با نظام کاربرد مبنایی پر از تنوعات و گوناگونی‌های زبانی سنجیده می‌شود. او معتقد است که نظام زبان، انتزاعی و ورای مغزهای کاربران زبان است و بنابراین نظامی انتزاعی است که در بررسی‌های زبان‌شناختی صورت گرفته تا امروز نظامی یکدست و دچار انتزاع ثانویه<sup>۲</sup> لحاظ شده است. این در حالی است که می‌توان تبلورها و جلوه‌های ملموس این نظام انتزاعی را با پیگیری شیوه تعاملات انسانی مشاهده کرد. بنابراین، تعامل میان کاربران زبان بر دانش زبان‌شناختی آنها موثر خواهد بود. برای روشن شدن بحث، او مثالی از فرهنگ‌نگاری می‌آورد. نویسنده معتقد است که سابقاً فرهنگ‌نگاری بر مبنای حوزه‌های معنایی و روابط معنایی نظیر شمول و ترادف و تضاد و غیره بوده است، اما امروزه می‌توان بر مبنای برجستگی<sup>۳</sup> یا میزان وقوع<sup>۴</sup> عناصر واژگانی در عمل و کاربرد عملی تعاملات انسانی به شیوه جدیدی فرهنگ‌نگاری کرد. این ایده که با عنوان برجستگی مطرح است منجر به تغییر نقطه تمرکز از خود ساختار به برجستگی‌های ساختاری می‌شود. در این چارچوب برجستگی در فرهنگ‌نگاری باید تبلور داشته باشد. آنچه برجستگی عناصر واژگانی را تعیین می‌کند کاربرد واقعی کاربران زبان است. با اتخاذ چنین رویکردی به طور مداوم میان ساختار و کاربرد و معنی‌نگری و نام‌نگری در حرکت خواهیم بود. نویسنده با بررسی‌های بیشتر درباره مفهوم پیش‌نمونه دو اصطلاح را به زمینه بحث می‌افزاید که در سرتاسر کتاب مورد استفاده خواهد بود: نام‌نگری مفهومی<sup>۵</sup> و نام‌نگری صوری<sup>۶</sup>. او معتقد است باید معنای نام‌نگری را در بررسی پیش‌نمونه کنار گذاشت چرا که با دشواری‌هایی همراه بوده است، مانند لحاظ کردن تمام نمونه‌ها از یک مقوله و زدودن جنبه‌های غیر عادی در پیدا کردن پیش‌نمونه برای یک مقوله. او معتقد است که در بررسی مبحثی چون پیش‌نمونه باید مقوله‌های مختلف برای یک موجودیت مشخص را لحاظ کرد و عنوان نام‌نگری مفهومی را بدان اطلاق می‌کند، پس باید صورتهای مختلف زبانی را برای یک عنصر زبانی در بین گروه‌های اجتماعی و فرهنگی و تاریخی خاص کاوید که با عنوان نام‌نگری صوری خوانده می‌شود.

- 
1. types of semantic and categorical variations
  2. secondary abstraction
  3. salience
  4. frequency
  5. conceptual onomasiology
  6. formal onomasiology

نویسنده در فصل سوم کتاب، به نام معنی‌شناسی پیش‌نمونه در زمانی<sup>۱</sup>، با استفاده از عناوینی چون نام‌نگری مفهومی و نام‌نگری صوری که در فصل دوم مطرح شدند، به مبحث معنی‌شناسی پیش‌نمونه از دیدگاه در زمانی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه عوامل اجتماعی در طول زمان باعث شکل‌گیری پیش‌نمونه‌ها می‌شوند. کل مبحث مطرح شده در فصل سوم کتاب حول این مدار است که: (الف) وقتی واژه‌ای نو به زبان افزوده می‌شود، معنای واژه‌های از قبل موجود دیگر و حتی معنای پیش‌نمونه را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد.

(ب) آنچه اقبال و توجه مردم به استفاده از آن نواژه را تعیین می‌کند، تثبیت<sup>۲</sup> آن مقوله در اذهان و تواتر کاربرد آن است. با تثبیت آن مقوله، برجستگی و تواتر هم در پی خواهد آمد.

(پ) گاهی عوامل اجتماعی باعث تکامل تدریجی مقوله‌های واژگانی و مفهومی می‌شوند. برای این مورد، نویسنده از تحقیقی که خود درباره مفهوم شلوار لگ (Leggings) به صورت در زمانی انجام داده است نام می‌برد. این عنوان به نوعی از پوشش پا اطلاق می‌شده است که در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ رایج بوده، سپس برای مدتی از مد افتاده و اکنون مجدداً رایج شده است. نویسنده برای بررسی ویژگی‌های اصلی و حاشیه‌ای این مقوله به ویژگی‌هایی نظیر جنس پارچه بکار رفته در شلوار، بلندی شلوار و تنگی آن توجه کرده است و حتی با مطالعه مجلاتی که تصاویر این نوع پوشش در آنها منعکس شده‌اند، به این نتیجه رسیده که در پیش‌نمونه شلوار لگ در طول زمان تعدادی از عناصر اصلی نظیر تنگی و کوتاهی حفظ شده است و برخی از خصایص معنایی به عنوان عناصر حاشیه‌ای در این مقوله تغییر کرده‌اند. به عبارت بهتر، در گذشته leggings شلوار تنگ و کوتاه برای زنان بوده است و حال آنکه امروزه شلواری است که نسبت به قبل کمتر تنگ و کوتاه است. این تغییر ویژگی معنایی در طول زمان را مفهوم مد که متغیر و عامل اجتماعی است باعث شده است. نویسنده معتقد است عوامل اجتماعی باعث تغییر ویژگی‌های پیش‌نمونه می‌شوند و باید این تفاوتها را با بررسی در زمانی در فرهنگ‌نگاری هم لحاظ کرد.

پرسش اصلی نویسنده در فصل چهارم کتاب با عنوان قالب‌ها، پیش‌نمونه‌ها و هنجارها<sup>۳</sup> این است که آیا می‌توان چارچوب نظری را اتخاذ کرد که بتواند جنبه‌های اجتماعی معنی را نیز شامل شود. انجام این کار وقتی دشوارتر خواهد شد که درک کنیم نه تنها پیش‌نمونه‌ها نزد گروه‌های اجتماعی مختلف، متفاوتند، بلکه جوامع زبانی مختلف با تفاسیر متنوع و مختلفی از پیش‌نمونه‌ها، تفکرات قالبی را می‌سازند که چیزی نیست مگر تفسیر اجتماعی از مفهوم یک

---

1. diachronic prototype semantics  
2. entrenchment  
3. stereotypes, prototypes, and norms

پیش‌نمونه. او به دشواری دستیابی چنین چارچوبی با مثال محاکمه بیل کلینتون اشاره می‌کند. کلینتون در جلسه محاکمه علنی دادگاه درباره تعرض جنسی اذعان می‌دارد که در نظر او "رابطه جنسی" تنها "هم‌خوابگی" است و نه بوسه، آغوش و لمس بدن دیگری. او نتیجه می‌گیرد که در برخی از اذهان پیش‌نمونه‌ها به معنای کانونی تقلیل یافته اند؛ چنانکه کلینتون رابطه جنسی را تنها به مفهوم کانونی "هم‌خوابگی" تقلیل می‌دهد و محدود می‌سازد. نویسنده با این مثال سعی در بیان دشواری پیش رو در ارائه چارچوب نظری دارد، چارچوبی مناسب که بتواند تفاوت‌های فردی و اجتماعی را با ویژگی‌های معنایی مفاهیم مقوله‌های زبانی در هم-آمیزد. غایت مورد نظر نویسنده پاسخ به این پرسش پوتنام است که آیا معنی‌شناسی دارای چارچوبی است که بتواند نشان دهد یک کلمه در همه اذهان سخنگویان دارای یک معنی است یا خیر؟ پرسش نویسنده این است که آیا معنی‌شناسی شناختی می‌تواند به چنین چارچوبی دست یابد که معنی و کاربرد را توأمان در خود داشته باشد؟ بی‌شک جامعه‌شناسی زبان در این باره راهگشاست.

نویسنده در فصل پنجم کتاب با عنوان تاریخ فرهنگی استعاره‌ها<sup>۱</sup> به بررسی تاریخچه فرهنگی استعاره‌های زبانی می‌پردازد. او به استعاره "عصبانیت به مثابه گرمای مایع درون ظرف" اشاره می‌کند که استعاره‌ای رایج در انگلیسی و بسیاری دیگر از زبان‌هاست. گیراتز با بررسی‌های بیشتر متوجه می‌شود که این استعاره از حوزه ادبیات به زبان رایج کشیده شده است و تجارب بدنی مشترک میان انسان‌ها را دلیل رواج چنین استعاره‌ای در بین بیشتر زبان‌ها می‌داند. او با کاوش بیشتر در اصول طب سنتی به این نتیجه می‌رسد که ریشه چنین مفهوم سازی فرهنگی را می‌توان در تئوری طبایع/مزاج‌ها یافت. چنانکه عصبانیت به صفرا و گرمی مرتبط است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای بررسی وجه تسمیه برخی از استعاره‌های مفهومی، می‌توان از تجارب بدنی مشترک گذشت و به تجارب فرهنگی مشترک روی آورد؛ بدین معنی که در تجارب ما انسان‌ها عامل فرهنگی عاملی موثر است و همان تفاوت‌های فرهنگی متفاوت، مقوله بندی‌های زبانی متفاوت را سبب می‌شوند. بنابراین، می‌توان چرخشی داشت از تفاسیر بدن‌مند جهانی از تجارب، به سوی تفاسیر فرهنگی تجارب که در صورت‌های زبانی استعاره قابل مشاهده است.

نویسنده در فصل ششم با عنوان الگوهای فرهنگی تنوعات زبانی<sup>۱</sup> در پی یافتن الگو و چارچوبی فرهنگی برای توجیه و تفسیر تنوعات زبانی است. او به دو نوع نظریه فرهنگی در این خصوص اشاره می‌کند: (الف) الگوی منطقی، (ب) الگوی رمانتیک. در الگوی منطقی، زبان ابزار ارتباط اجتماعی است بنابراین تنوعات زبانی باعث دشواری در امر ارتباط است و لزوم وجود زبان معیار به عنوان وسیله ارتباط جمعی احساس می‌شود. اما در الگوی رمانتیک زبان معیار بیان هویت جمعی یا منطقه‌ای است. در این الگو، زبان و فرهنگ همیشه با هم هستند. زبان فرهنگ است و فرهنگ زبان. این دیدگاه را نویسنده واقع بینانه‌تر می‌بیند؛ چرا که تنوع‌ها واقعیت دارند. به هر حال، در این رویکرد نیز هویت افراد را گروه‌های اجتماعی هرچند کوچکشان تعیین می‌کند پس هنوز هم هویت جمعی دارند و محدودند. بنابراین رویکرد دوم نیز نوعی ملی‌گرایی است، اما در مقیاس محدود و کوچکتر. نویسنده در پایان معتقد است که قدرت یک زبان‌شناس قدرتی محدود است که دیدگاه‌ها را مطرح می‌کند اما مسئله را حل نمی‌کند.

نویسنده در فصل هفتم با عنوان تنوع واژگانی به مثابه متغیری در جامعه‌شناسی زبان<sup>۲</sup> مبانی نظری و شیوه کاربرد روش کیفی‌ای را بررسی می‌کند که می‌توان آن را در مطالعه تنوعات لکتال<sup>۳</sup> (تنوعات اجتماعی، فرهنگی، تاریخی) به شیوه‌ای کیفی به کاربرد. این روش، پروفایل مینا<sup>۴</sup> نامیده می‌شود. پروفایل در اینجا یعنی درصد مواردی که یک عنصر زبانی نسبت به عنصر زبانی دیگر در جامعه زبانی استفاده می‌شود. مثلاً می‌توان تواتر وقوع و کاربرد کلمه انگلیسی leggings و عنوان فرانسه calecon را در هلندی بلژیک و هلندی هلند آزمود. در هلندی بلژیک عنوان انگلیسی نخست بیشتر از دومین نام، کاربرد دارد و حال آنکه در هلندی هلند دومین نام کاربرد بیشتری دارد. بنابراین، جامعه زبانی اول همگرایی بیشتر با انگلیسی دارد و دومین جامعه زبانی واگرایی بیشتر. پس با این روش می‌توان دریافت که آیا گویشی خاص از یک زبان نسبت به پدیده جهانی شدن انگلیسی واگرا عمل می‌کند یا همگرا. نویسنده این بررسی‌ها را بر مبنای رویکرد اندازه‌گیری تنوع (لکتومتری)<sup>۵</sup> به انجام می‌رساند و منظور از آن را شیوه اندازه‌گیری تنوعات بین گویش‌ها بر مبنای عوامل لکتال و تنوع ساز دیگر می‌داند. این رویکرد، مطالعه و بررسی کیفی روابط میان تنوعات است.

- 
1. cultural models of language variations
  2. lexical variation as a sociolinguistic variation
  3. lectal variations
  4. profile based
  5. lectometric approach

در فصل هشتم با عنوان اندازه‌گیری تغییرات و تنوعات واژگانی<sup>۱</sup> پرسش نویسنده این است که تا چه حدی می‌توان فاصله واژگانی میان گویش‌ها را اندازه‌گیری کرد. او دشواری این نوع اندازه‌گیری را در ابهام و غیر برجسته بودن برخی از مفاهیم نزد برخی گویشوران می‌داند. بدین معنی که مثلاً در حوزه بدن انسان، بسیاری از مفاهیم تابو هستند یا طنین و پژواک عاطفی دارند که در این صورت در بین سخنگویان یک گویش واحد غیر یک دست‌اند. اما به هر حال، هنوز هم نویسنده بهترین روش برای اندازه‌گیری چنین فاصله واژگانی میان گویش‌ها را روش مطرح در فصل هفتم می‌داند یعنی روشی بر مبنای پروفایل. او بازم معتقد است که این روش الزاماً به ویژگی‌های مفهومی حساس نیست.

نویسنده در فصل نهم کتاب با عنوان الگوهای چند متغیری از تنوعات زبانی<sup>۲</sup> در پی یافتن الگویی چند متغیری و چندجانبه برای توجیه تنوعات زبانی است. او معتقد است که غایت زبان‌شناسی شناختی مطالعه معنی زبانی است، بنابراین باید الگویی در آن مطرح باشد که تنوعات معنایی و تفاوت‌های لکتال هم در آن لحاظ شوند. نویسنده معتقد است که آنچه در این کتاب به آن می‌پردازیم یک خط فکری است و نه یک محصول تمام شده. او معتقد است که انتخاب یک واحد واژگانی تحت تاثیر عوامل گوناگون است، عواملی چون معنایی که قرار است منتقل کنیم، بافت سخن و پس زمینه‌های لکتال. بنابراین نظریه چندجانبه‌ای در زبان‌شناسی شناختی نیاز است تا هم عوامل درونی و هم عوامل بیرونی تنوعات زبانی را بکاود. عوامل درونی نظیر روابط معنایی عناصر واژگانی در سطح جمله و عوامل بیرونی نظیر متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و گروهی.

در فصل پایانی کتاب با عنوان نظام زبانی در الگوی کارکرد مبنای زبان<sup>۳</sup>، گیرارترز به بررسی جایگاه نظام زبان در الگوی کاربرد مبنای زبانی می‌پردازد. او معتقد است که الگوی کاربرد مبنا از زبان الگویی واقع بینانه است که در آن تنوعات لکتال قلب تپنده الگو هستند؛ چرا که بر مبنای این رویکرد نظام زبان نظامی ناهمگن و غیر یکدست است. در واقع بافت‌سازی مجدد نظام زبان به نوعی نظام‌زدایی از زبان است؛ چرا که در درون یک نظام انتزاعی که ورای مغزهای سخنگویان شکل می‌گیرد، نظام‌های فرعی<sup>۴</sup> شکل می‌گیرند و مطالعه‌ساز و کار این نظام‌های فرعی و جزئی بر عهده زبان‌شناسی اجتماعی از دیدگاه شناختی است. در این رویکرد نظام زبان

- 
1. measuring the lexical variation and change
  2. multivariate models of linguistic variations
  3. linguistic system in usage- based model of language
  4. sub- systems

نظام یکدستی نیست. دغدغه اصلی این رویکرد ساختارمندکردن و فرمول‌بندی تنوعات واقعی زبانی است که بر پایه مطالعه تنوعات فرهنگی، تاریخی، اجتماعی (لکت‌ها) به انجام می‌رسد. در مجموع کتاب حاضر در بررسی مبانی نظری رویکردشناختی معاصر کتابی بسیار دشوار اما راهگشاست. به نظر نگارنده این سطور، نویسنده کتاب در نگارش این اثر در جای جایی از فصول به مطالب و مباحث حاشیه‌ای پرداخته است. هرچند این تفصیل، جزئیات و تعاریف به روشن شدن مفاهیم یاری می‌رسانند، اما قابل چشم‌پوشی می‌نمایند و به خوانش روان محتوا کمک بیشتری خواهد کرد. این نکته به دشواری کتاب می‌افزاید. در عوض، کتاب حاوی جداول و نمودارهای آگاهی بخش در پایان هر فصل است که مطالعه مباحث را تسهیل می‌کند. این کتاب با این پرسش نگاهشده شده است که چرا جامعه‌شناسی زبان باعث ایجاد چرخش و تغییر نگرش در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی شده است. کتاب، منطق در پس مطالعات فرهنگی بافتی و اجتماعی در چارچوب زبان‌شناسی شناختی را می‌کاود و تنها راه برون رفت از محدوده تنگ کنونی را تلاشی برای صورت‌بندی عملی و مفید چارچوبی می‌داند که زبان‌شناسی شناختی را به اجتماع و تاریخ و فرهنگ و تنوعات واقعی پیوند بزند. کتاب، تلاش انسانی دانشمند و توانمند برای بازگرداندن زبان به خاستگاه اولیه‌اش یعنی اجتماع و تاریخ و فرهنگ است. نویسنده گاه معترف است که کاری دشوار پیش رو دارد، اما معتقد است که با گذر از مرحله ابتدایی این مهم -یافتن چارچوب نظری مناسب- می‌توان این پروژه را به اتمام رساند. مطالعه این کتاب به خوانندگان علاقه‌مند به این حوزه توصیه می‌شود؛ چرا که در اثنای بررسی‌های نظری موضوع‌های مهمی برای پژوهش را پیش رو می‌گذارد. به عنوان نمونه، می‌توان از استعاره‌های بدن‌مند مطرح در زبان فارسی مطالعه‌ای در زمانی و تاریخی به انجام رساند. ساخت‌های نحوی فارسی نظیر مجهول و سببی‌سازی را با توجه به کارکردهای اجتماعی آنها طبقه‌بندی کرد و توجیه و تفسیری فرهنگی برای هریک به دست داد. همچنین محقق علاقه‌مند می‌تواند تاثیر نوآژه‌های فارسی را بر عناصر واژگانی دیگر و نیز مولفه‌های معنایی مفهوم پیش‌نمونه بررسی کند. بی‌تردید، الگو قرار دادن روش پژوهش در فصول این کتاب در انجام چنین پژوهش‌هایی در فارسی راهگشا است.

#### منابع

- Geeraerts, D., and H. Cuyckens (2010). *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. London: Oxford University Press.
- Geeraerts, D., G. Kristiansen , Y. Peisman (Eds.) (2010). *Advances in Cognitive Sociolinguistics*. New York: De Gruyter.



- Geeraerts, D., ed. (2006a). *Cognitive Linguistics: Basic Readings*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Lakoff, G. 1987. *Women, fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Langacker, R. (1987). *Foundation of Cognitive Grammar*. Stanford: Stanford University Press.

معصومه مهربانی

دانشگاه آیت‌الله بروجردی